

قرآن پژوهی در روسیه

گفتگو با دکتر محمد نوری عثمان اف

☆ تلاش کرده‌ام ترجمه معنوی از قرآن ارائه دهم نه ترجمه تحت اللفظی. چرا که اگر ترجمه غیر معنوی باشد در بیشتر موارد بی‌فایده و حتی مضر است.

☆ زبان و ادبیات کلاسیک فارسی از مهم‌ترین نمونه‌های ادبیات جهان است.

☆ ترجمه قرآن به زبان روسی بسیار مشکل بود، اما با توکل شروع به کار کردم و از تفاسیر مختلف بهره بردم.

☆ اشاره: محمد نوری عثمان اف به سال ۱۹۲۴ م (۱۳۰۱ ش) در شهر «مچ قلعه» واقع در منطقه داغستان زاده شد. در سال ۱۹۵۰ م (۱۳۲۹ ش) به دریافت درجه لیسانس از دانشکده ایران‌شناسی دانشگاه مسکو نایل آمد و به سال ۱۹۵۴ م (۱۳۳۳ ش) به دکترای این رشته دست یافت. وی همچنین مطالعات و تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و به سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) موفق به دریافت مدرک دکترای این رشته شد. یازده سال بعد به مرتبه پروفیسوری نایل آمد و در سال ۱۹۸۴ م (۱۳۶۳ ش) به عضویت «الجمع الملکی لبحوث الحضاره الاسلامیه» اردن برگزیده شد.

☆ تحقیقات وی در زمینه ایران‌شناسی به شرح زیر است:

- ۱- متن انتقادی شاهنامه فردوسی.
- ۲- فرهنگ فارسی به روسی.
- ۳- فرهنگ بسامدی عنصری.
- ۴- شرح حال و تحلیل اشعار فردوسی.
- ۵- شرح حال و تحلیل رباعیات عمر خیام (با همکاری رستم علی‌اف).
- ۶- سبک شعر فارسی در سده چهارم هجری.
- ۷- مقالات پرشماری درباره ادبیات فارسی و متن‌شناسی.
- ۸- ترجمه چندین کتاب از فارسی و عربی.
- ۹- ترجمه قرآن به زبان روسی (آماده انتشار).

☆ **کتابخانه** به عنوان نخستین پرسش مختصری درباره پیشینه زندگی و آثار و مطالعات خود توضیح دهید.

☆ محمد نوری عثمان اف: این جانب در داغستان متولد شدم، در شهری که اسم امروزی آن «مچ قلعه» است، یا قلعه انقلابی. اما من هنوز از آن با نام قدیمش یاد می‌کنم (شهر انجیق قلعه) شهری که باروهای آن از گل‌اند نه سنگ. نام مخفف و مختصر آن «انجی» است که مورد استفاده و محاوره قرار می‌گیرد. پدرم از

خانواده‌ای روحانی بود. او در دستگاه حکومتی شوروی خدمت می‌کرد و رئیس قوم درگاه بود که از نظر جمعیت در داغستان رتبه دوم را دارد. پدر و پدر بزرگ روحانی بودند و عمویم مدرس و رئیس مدرسه علوم دینی بود. شاگردان اومی گفتند که «قاموس المحيط فیروزآبادی را حفظ بوده است. او سیستم جدیدی در تدریس پیاده کرد و پیش از آموزش علم، به شاگردانش زبان عربی می‌آموخت. در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶ ش) - زمانی که تازه استالین ترور شده بود به جرم عالم اسلامی بودن زندانی و سپس تیرباران شد. سال ۱۹۳۷ اوج اختناق و دستگیری بود استالین در آن سالها تمام کسانی را که اهل اندیشه علم بودند و در میان مردم به اهل تفکر شهره بودند دستگیر، زندانی و یا تیرباران کرد. از آن میان برخی نیز به سبیری تبعید شدند. آن زمان من نوجوانی دوازده ساله بودم. در سال ۱۹۴۴ م (۱۳۲۳ ش) به هنگام جنگ به خدمت نظام رفتم و در سال ۱۹۴۶ به دانشگاه مسکو راه یافتم. و در رشته ایران‌شناسی به تحصیل مشغول شدم. ابتدا قصد داشتم رشته زبان و ادبیات عربی را ادامه دهم، اما آن وقت دانشگاه مسکو فاقد کرسی زبان عربی بود. با این حال، بخاطر علاقه‌ام زبان عربی را خارج از دانشگاه آموختم. امروز خوشنودم اینکه زبان فارسی را در دانشگاه پی گرفته‌ام، چون زبان و ادبیات کلاسیک فارسی از بزرگترین و مهم‌ترین نمونه‌های ادبیات جهان است.

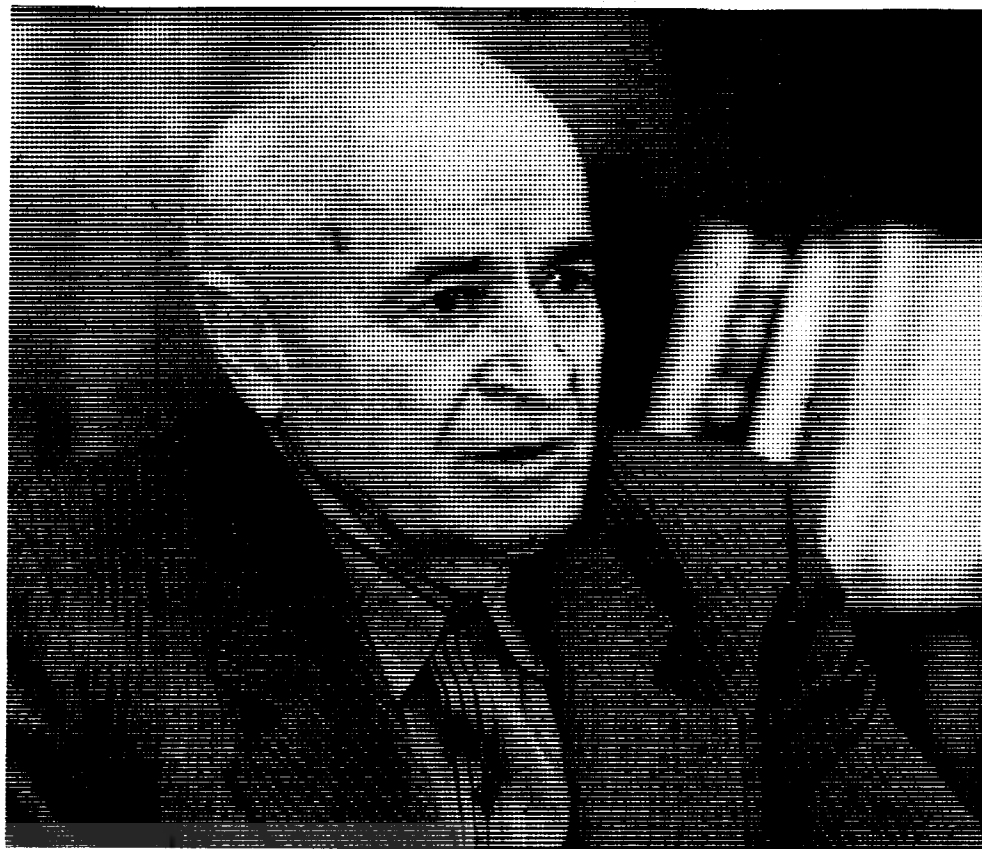
☆ بیشتر عمرم را در تحقیق و تفحص در زبان و ادبیات فارسی گذرانده‌ام، به زبانهای فارسی، دری، تاجیکی و عربی سلطه دارم و بیشترین وقت خود را نیز در شاهنامه‌شناسی صرف کرده‌ام.

☆ اکنون نیز به ترجمه قرآن مجید مشغولم، درباره‌ی کیفیت آن به‌طور دقیق نمی‌توانم اظهار نظر کنم، اما این فقط وظیفه و ادای دینی بوده است. چنان که اشار شد، قسمت اعظم تحقیقاتم بر روی «شاهنامه فردوسی و سبک شعر قرن چهارم هجری بوده است.

☆ **کتابخانه** هدف شما از ترجمه قرآن علاقه شخصی بود، یا توصیه



☆ شیوه‌ام در ترجمه بدین گونه بود که ابتدا معنی را می‌فهمیدم، آنگاه آن را به زبان روسی برمی‌گرداندم.



عثمان اف: ترجمه قرآن در فارسی زیاد است، هم توسط اهل شیعه این ترجمه‌ها صورت گرفته است هم از سوی اهل سنت. میان اینها ترجمه‌های بسیار عالی نیز دیده می‌شود. تفاوت این دو فقط در مسأله امامت است. تصور می‌کنم برخی تفسیرهای فارسی مانند «المیزان» علامه طباطبایی در شمار بهترین تفسیرهای جهان اسلام هستند. شهید مفتاح هم تسلط کامل در قرآن داشت و من تا آخر عمر مدیون ایشان هستم و حق ایشان را فراموش نخواهم کرد.

بیست و اندی سال پیش یعنی در سال ۱۹۷۳ که به مدت سه ماه برای پژوهشهایی درباره شاهنامه به ایران آمده بودم، برای انجام مطالعاتی روی قرآن به کلاسهای شهید مفتاح رفتم و ایشان مرا راهنمایی کردند. وی بسیار انسان آگاه، عادل و کاملی بود و مرا در ترجمه راهنمایی کرد. خدمت به اسلام و قرآن در خون ما و طی نسلها در خانواده ما بوده است، از جمله پسرعمویم - که بخاطر مذهبی بودن در زمان استالین کشته شد - «قاموس المحيط» فیروز آبادی را حفظ بود.

کتابخانه : شما برخی کتابهای عربی را نیز به روسی ترجمه کرده‌اید، فرق ترجمه کتابهای عربی با قرآنی که ترجمه نموده‌اید، در چه بوده است؟

عثمان اف: دو کتاب عربی به روسی ترجمه کرده‌ام که آنها افسانه بوده‌اند. اینها با تاریخ سرو کار دارند و ترجمه‌شان ساده است، اما قرآن مفاهیم است و کلام آسمانی است. حساسیت بسیار و حوصله فراوان باید در ترجمه آن به کاربرد، تمام علوم کهن، ادیان و کتابهای آسمانی پیش از آن مانند تورات و انجیل را باید دانست. برخی از اصطلاحات مربوط به دوره صدر اسلام است و اصحاب پیامبر آن را می‌فهمیدند و برخی نکته‌ها تلمیحی است از تورات و انجیل که عامه مردم آنها را نمی‌فهمند. بدین سبب معتقدم برای هر ملتی و یا مسلمانان باید به زبان خودشان معانی و مفاهیم قرآن نوشته شود. برای نمونه مسلمانان داغستان در محله‌ها یا قریه‌ها زبانی یا اصطلاحات مخصوص خود را دارند. باید ترجمه قرآن برای ملت مفهوم باشد.

ماترین لوترانجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. پیش از آن، آلمانیها دو لهجه داشتند، زبان جدید آلمان از همین ترجمه انجیل به وجود آمد و شروع شد. من با یکی از پژوهشگران در این باره صحبت می‌کردم، معتقد بود: «برخی زبانها غنا ندارند که در ترجمه قرآن تأمل کنند، برای نمونه مردم بومی داغستان کلماتی مانند شفاعت، شکایت و... داشتند که فراموش کرده بودند و به جای آن کلمات روسی استعمال می‌کردند». حال اگر کتب احادیث و تاریخ صدر اسلام را ترجمه کنیم، مردم چون دلشان می‌خواهد معنای قرآن را بفهمند و از تاریخ صدر اسلام جويا شوند، باید مفاهیم کلمات روشن شود و برای این مفاهیم سالها زحمت و وقت و سرمایه لازم است. باید انستیتو و آکادمی‌ای به

معنوی باشد، نه تحت‌اللفظی. به عنوان نمونه در ترجمه‌های اروپایی واژه «استکثر» در جمله «یا معشر الجن قد استکثرتم من الانس» (الانعام ی ۱۲۸) را به معنای «زیاد گرفتن» آورده‌اند، در حالی که معنایش «آزار» به در بردن و گمراه کردن» است. در کشورهای عربی نیز معانی آیات را در قسمت پایین صفحه چاپ می‌کنند. نباید فراموش کنیم که خود مردم عرب نیز حتی اگر دارای تحصیلات عالی باشند، قرآن را بدون تفسیر نمی‌فهمند. معانی قرآن تنها با ترجمه تحت‌اللفظی دست یافتنی نیست.

کتابخانه : تاکنون چه کسانی در شوروی قرآن را ترجمه کرده‌اند؟

عثمان اف: ثیاکوف در سده نوزدهم و کروچفسکی پس از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۶۳ آن را از زبان عربی ترجمه کردند. چند سال پیش نیز همان ترجمه بدون هیچ تغییراتی تجدید چاپ شد. همچنین چندسال پیش در لندن نیز انجمن احمدی‌ها ترجمه‌ای ارائه دادند که از انگلیسی برگردانده شده بود و ترجمه بسیار بدی است. ترجمه‌های دیگری نیز از فرانسوی و انگلیسی به روسی انجام شده است که با اصل عربی مغایرتهایی دارد. من معتقدم ترجمه قرآن حتماً باید از روی متن عربی باشد. و ترجمه‌هایی که خود انجام داده‌ام، از روی متن عربی بوده، اما در عین حال به هنگام اختلافات از چند ترجمه دیگر نیز استفاده کرده‌ام؛ برای نمونه از چهار ترجمه انگلیسی، سه ترجمه فرانسوی، یک ترجمه آلمانی و دو ترجمه فارسی بهره برده‌ام. برای نمونه در ترجمه‌ای دیدم مترجم از زبان عربی ترجمه نکرده بود و خود هم مسلمان نبود، از این رو آیه: «اگر آب برای وضو پیدا نکردید، باریگ یا خاک پاک مسح کنید» را این‌طور ترجمه کرده بود: «اگر آب پیدا نکردید، بالا روید از تپه ریگ» که ملاحظه می‌کنید چه معنی سخیفی ارائه شده است.

کتابخانه : در رابطه با وضعیت ترجمه‌های موجود در ایران چه نظری دارید، آیا این‌گونه مشکلات در آنها نیز وجود دارد؟

معنی و نیاز جامعه‌تان شما را به این کار غریب کرد؟

عثمان اف: من خود به ترجمه قرآن علاقه‌مند بودم وقتی در انستیتو بودم این کار به عربی‌شناسان توصیه شد که همه سرباز زدند. ایشان معتقد بودند ممکن نیست قرآن ترجمه شود، چون برای ترجمه قرآن مواد اولیه‌ای چون قاموس ادبیات جاهلیت لازم بود دست کم پنجاه سال باید روی آن کار می‌شد، اما با وکل شروع کردم و از تفاسیر مختلف استفاده کردم. البته بسیاری که این کار را نکردند و دوست هم داشتند کسی دیگر به این کار همت نگارد، مرا متهم کردند که از ترجمه‌های فارسی استفاده می‌کنم. دلیل بهم آنها این بود که من کلمه «صلوة» را در روسی به «ماز» معنی کردم و نماز یک واژه فارسی است؛ بر صورتی که کلمه نماز پیشتر هم در روسی وجود داشته. **لئون تولستوی** در کتاب «حاجی مراد» می‌گوید: «حاجی مراد نماز را اجرا کرد، و همین اصطلاح نماز را به کار می‌برد. نزدیک به شش سال وی ترجمه قرآن کریم کار کردم و امروز آماده چاپ است. من کار را به تنهایی انجام دادم، چون در کشور شوروی کسی نبود که به این کار مسلط باشد و بتوان از وی استفاده کرد. برای این کار، ابتدا دو ماه به یمن رفتم و آنجا استادی مصری به نام **شیخ محمد حسن وراز** - که خدایش بیامرز - حضور داشت که در قرآن سلط و تبحر داشت و حافظ قرآن بود و در این باره از وی سود جستیم. از تفاسیر فارسی مانند «تفسیر والفتوح رازی» و «تفسیر زین العابدین رهنه» و ترجمه **والقاسم پاینده** و ترجمه **قمشه‌ای** استفاده کردم. تماماً در ترجمه من کاستیهایی وجود دارد، باید کسی ترجمه قرآن کریم بپردازد که تمامی عمرش را صرف این کار کرده باشد، اما لازم بود یکی این کار را شروع کند و اگر خداوند عمری دهد، در زمینه ترجمه و تفسیرهای قرآن کار خواهم کرد.

کتابخانه : در ترجمه قرآن کریم به شیوه‌هایی را پیش رو داشته‌اید و این ترجمه چه خصوصیتی دارد؟

عثمان اف: در این ترجمه سعی کردم برگردان

برای ترجمه صحیح قرآن متن عربی را ملاک قرار دادیم و از چهار ترجمه انگلیسی، سه ترجمه فرانسوی، یک ترجمه آلمانی و دو ترجمه فارسی بهره بردیم.

که در ترجمه قرآن بدانها اشاره کردید، فکر نمی‌کنید وجود مؤسسه‌ای در این زمینه ضرورت داشته باشد تا تمامی ترجمه‌های موجود را نه فقط در زبان روسی، بلکه در زبانهای دیگر نیز مورد توجه و تحقیق و بررسی قرار دهد؟

عثمان اف: در ترجمه به زبانهای انگلیسی و فرانسوی چون مردم مسلمان نیستند، من کار نکرده‌ام. اما در ترجمه‌هایی که برای مسلمانان مانند فارس‌ها، ترک‌ها، آذری‌ها و غیره... که مسلمانند، هست باید ترجمه‌های خوب را گزیده، تقویت و اصلاح کرد.

کشیان:
برخی معتقدند که ترجمه قرآن میسر نیست، یعنی اصلاً آن مفهوم فقط در زبان عربی قابلیت داشته و دارد، نظرستان در این باره چیست؟

عثمان اف: در قرآن ترجمه آن منع نشده، عربها هر به این عقیده بوده‌اند، آنها ترجمه تحت اللفظی را حرام کرده‌اند (ترجمه الحرفیه حرام است) و ترجمه مع القرآن را مجاز شمرده‌اند. در قرآن آمده است: «انا انزلنا القرآن العربی و علی کن تغفلون، من قرآن را به زبان عربی نازل کرده‌ام تا شاید شما بفهمید». چون کتابهای دیگر آسمانی به زبانهای عبری و دیگر زبانها بوده. حال این کتاب به عربی آمده که مردم بفهمند. این کلام، این معنا را می‌رساند که باید قرآن را فهمید. ۹۰ درصد مسلمانان قرآن را می‌خوانند و شاید آن را نمی‌فهمند این بدان معنا نیست که برای کارهای دینی، قرآن را به زبان دیگر برگردانند؛ مانند ترک‌های زمان مصطفی کمال که قرآن و اذان را به ترکی می‌خواندند این اصلاً درست نیست. در مساجد و در مراسم تدفین قرآن باید به زبان عربی قرائت شود، اما چون تمامی مردم مسلمان نمی‌توانند قواعد زبان عربی را یاد بگیرند، باید در ترجمه، مترجم معنا را به گونه‌ای درست بفهماند.

باید تفسیرهای جامع معتبر و درست ترجمه شود تا قرآن خوب تفهیم شود، برای نمونه تفسیر عرفانی برای خواص است و برای مردم لازم نیست. تفسیر «مجمع البیان» برای شیعه خوب است. شما به گمان «تفسیر نمونه» دارید، گمان کنم این تفسیر را نیز اهل سنت بپذیرند. تفاسیر قرآن را باید همه مسلمانان بپسندند.

فرقه‌های اهل سنت نیز تفسیرهایی دارند که بجز در تفسیر نسفی، در تفاسیر این چهار مذهب اختلاف تفکر زیادی وجود ندارد. بین تفاسیر شیعه و سنی فقط در مسأله امامت کمی اختلاف هست. این موضوع نباید تفرق ایجاد کند و باعث شود سنی و شیعه در مقابل هم جبهه‌گیری کنند. باید راههایی پیدا کرد که این اتحاد بیشتر شکل بگیرد. بیست سال پیش درباره‌ی این

خودش را بداند. مثلاً فلسفه اسلام، فقه، علوم اسلامی که به عربی است، چون «ترمینولوژی» (اصطلاحات ساختی) دارند، اصطلاحات دینی و فقهی نیز دارند. برای نمونه ترک‌ها، فارس‌ها، اردوها، هندویان، که زبان اصلی‌شان عربی نیست، باید کتابهای دینی، تاریخ اسلام، جنگها و... را ترجمه کنند، اما فقه و فلسفه باید به زبان عربی باشد، زبان عربی متشکل کننده و وحدت دهنده مسلمان است.

البته زبان عربی با زبان قرآنی تفاوت دارد. قرآن کلمات بسیار، با معنایی خاص دارد. افراد با دیدگاههای خاص و عام هریک می‌توانند به اندازه‌ی وسیع خویش از آن بهره ببرند. برای مردم عامی شاید همان معانی قرآن بسنده باشد، اما برای خواص تفسیر و مفاهیم لازم است. این اثر آن قدر قابلیت دارد که در آن با هر علم و درجه‌ای تفحص و جستجو شود. مردم عامی فقط می‌خواهند ایمان داشته باشند و معنای آن را بدانند، اما برای خواص که انتظار بیشتری دارند، بازهم قابلیت دارد. اگر قرآن ترجمه نشود، بهتر است از اینکه آن را تحت اللفظی ترجمه کنیم. در دمشق استادی می‌گفت: ترجمه تحت اللفظی حرام است.

کشیان:
در مورد شیوه ترجمه‌های خودتان که همان همراهی ترجمه و تفسیر بود، صحبت می‌کردید.

عثمان اف: دانشگاه «الازهر» برای عرب زبانها که آنها هم بیش از نیمی از قرآن را نمی‌فهمند، تفسیری چاپ کرده که در قسمت بالا متن آن را چاپ کرده و در پایین تفسیر آنها را به طور مختصر آورده. در ترجمه روسی قرآن من نیز همین کار را می‌خواستیم انجام دهیم. برای نمونه در سوره «فاتحة الكتاب» در «اهدانا الصراط المستقیم، صراط‌الذین انعمت علیهم» یعنی ما را به راهی که به آنها نعمت بخشیدی، «غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین» نه به راهی که بر آنها قهر کردی، نه راهی که گمشدگانند. بعضی کلمات که در ظاهر نیامده، اما در معنی و مفهوم می‌آیند در پراکنش یا در گروه می‌گذاریم. که در تفاسیر دیگر روسی این کار نشده و تحت اللفظی معنی کلمات و لغات آمده. مردم عامی می‌گفتند: از ترجمه کروچفسکی هیچ نفهمیدیم، مگر می‌شود کتابی مقدس باشد و برای مردم نازل شود، اما مردم هیچ نفهمند.

همان گونه که اشاره کردم دانشگاه «الازهر» برای عرب زبانهایی که قرآن را خوب نمی‌فهمند «المنتخب التفسیر» چاپ کرده که در پایین صفحات معنی و مفهوم آن با توجه به تفسیر آورده شده است. این در تفهیم خیلی مؤثر است. اگر ترجمه این طور صورت گیرد، برای مردم بسیار مفید است و از آن استقبال می‌کنند.

کشیان:
باتوجه به مشکلاتی

همت کشورهای اسلامی تشکیل شود و در این مسیر واژه‌ها، مفاهیم، و فرهنگ اسلامی به زبان مادری ما ترجمه شود؛ باید نهضتی در این جهت راه بیفتد.

کشیان:
به نظر شما یک مترجم قرآن برای ترجمه باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

عثمان اف: مترجم باید یا خود مسلمان باشد و یا مفاهیم را خوب بداند. باید تفسیر را بداند، چون بسیاری از مفاهیم بنا تفسیر روشن می‌شوند، من اشتباهات بسیاری در ترجمه‌ها دیده‌ام که بخاطر تحت اللفظی بودن رخ داده است. صدها ترجمه و تاویل از قرآن به زبان ونیز (مردم آلمانی نژاد در دریای شمال) که مسیحی‌اند. برای مردم آنلانت که آنها هم مسیحی‌اند، وجود دارد. میسیونرهای سویت پول زیادی برای ترجمه انجیل می‌دهند، انجیل به زبانهای ازبکی، فرقیزی، تاتاری و چند زبان داغستانی قفقاز، ترجمه شده. اما کشورهای عربی با آن سرمایه‌های هنگفت، در این جهت (ترجمه قرآن به زبانهای محلی) سرمایه‌گذاری نکرده‌اند. باید انستیتویی تأسیس شود که مسوولین کشورهای اسلامی از آن پشتیبانی کنند.

کشیان:
استاد در ترجمه قرآن رعایت اصول و قواعدی لازم است. همچنین به ابزار و عناصری نیاز است که در صورت عدم وجود یکی از آنها نتیجه خلاف مقصود خواهد بود. جناب عالی با توجه به اشراف بر سه زبان عربی، فارسی و روسی و نیز آشنایی با علوم اسلامی چه شیوه‌ای را برای ترجمه روان به کار برده‌اید؟

عثمان اف: بنده سعی کرده‌ام آن را با معنا ترجمه کنم. ترجمه کروچفسکی را که می‌خوانیم، این کتاب مقدس معنایی ندارد. باید مفاهیم روشن باشند، باید کتابهای لغت و احادیث را ترجمه کرد. برای نمونه، نخست باید چهل حدیث «احادیث نبوی» را ترجمه کرد. برای شیعه، باید «اصول کافی» را ترجمه کرد. میل و محبت و شوق هم در انجام کار بسیار مؤثر است، نباید دلسرد شد. اکنون در مسیر این حرکت، مشکل مالی وجود دارد. باید منبع و مرجعی این هزینه‌ها را متحمل شود. ما در داغستان ۲۹ لهجه داریم که زبان یکدیگر را نمی‌فهمند. فرهنگ اسلام باید در همه این لهجه‌ها نفوذ کند و این از راه ترجمه میسر است.

اما درباره‌ی شیوه خودم در ترجمه قرآن می‌توانم بگویم معنا را می‌فهمیدم و آن را به زبان روسی برمی‌گرداندم؛ زبان روسی قابلیت این کار را داشت. زبان روسی همدریف زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه است و ادبیات بزرگ و وسیعی دارد. داستایوفسکی، لئون تولستوی و... به غنای زبان روسی کمک کرده‌اند، اما در ترجمه دین باید زبان مبدأ

موضوع صحبتی با آقایان شهید بهشتی، شهید مفتاح و آقای موسوی اردبیلی در مسجد امیرالمومنین (ع) داشتم. آن زمان شهید بهشتی می گفتند: ما و دوستان طرفدار آن هستیم که اهل سنت و شیعه متحد باشند و تفرقه در میانشان نباشد. من گفتم: در این هجوم ماتریالیسم که در جهان داریم، نه فقط اهل شیعه و سنت، بلکه اهل همه ادیان الهی باید علیه ماتریالیسم متحد شوند.

کشیان
دانستن زبان فارسی در ترجمه قرآن عربی به روسی تا چه حد به شما کمک کرد؟

عثمان اف: با توجه به اینکه ابتدا تفسیرهای فارسی را خوانده بودم (در عین اینکه از تفاسیر عربی غافل نبودم) در جاهایی که تفاسیر زبان عربی دچار چندگانگی می شد، به تفاسیر زبان فارسی نگاهی می کردم. در کتاب عصمت زاده فهرست بیست هزار و هفتاد تفسیر وجود دارد.

کشیان
روند فراگیری دین در جمهوریهای آسیای مرکزی و نیز امکانات پرداختن به امور مسایل دینی چگونه بوده است؟

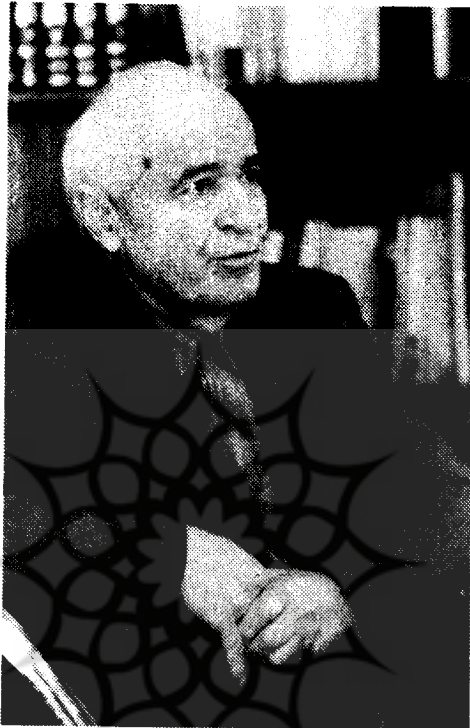
عثمان اف: دین در روسیه، جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز کاملاً آزاد است و گمان می کنم به مرور زمان نیز گسترش خواهد یافت. متأسفانه در بیشتر جمهوریهای اتحاد شوروی پیشین، مردم اصول دین را کمتر می دانند، علماً شمارشان کم است و اغلب ملاحا نیز کم سوادند. مسلمانان نیاز دارند که جوانانشان را برای علم آموزی به کشورهای اسلامی بفرستند. از سوی دیگر، روستاییان می خواهند مسجد داشته باشند، اما اغلب وسیله ای برای بنای مسجد ندارند. به عقیده من همه کشورهای اسلامی باید در این دشواریها همکاری و مساعدت نمایند.

کشیان
ادبیات فارسی، با چه کسانی ارتباط و آشنایی داشته اید؟

عثمان اف: با بسیاری از استادان آشنا بوده ام، از جمله آقایان: خانلری، مهجور، زرین کوب، مظاهر مصفا، مرحوم سادات ناصری، اسلامی ندوشن، حسن مینوچهر، استاد همایی که کار مرا روی «شاهنامه» تحسین کرد، و نیز با استاد سعید نفیسی و فروزانفر هم ارتباط داشتم.

کشیان
دانشگاهی که زبان و ادبیات فارسی را فرا گرفتید آیا استادان ایرانی هم حضور داشتند؟

عثمان اف: استاد زبان فارسی ما خالق ابن حسین



کوراوغلی بود که پدرش آذری و مادرش فارس بود و خودش از عشق آباد بود. استاد کوراوغلی زبان فارسی و تجزیه و ترکیب آن را به خوبی به ما آموخت، به گونه ای که همه عمر مدیون او هستیم. پس از وی فرستر - که هنوز زنده است - پروفیسور میلر - که «فرهنگ شاهنامه» اش موجود است - و استاد استاریکف - که ۲۵ سال پیش درگذشت - از استادان من بودند.

کشیان
متن «شاهنامه» ای که جناب عالی تصحیح کرده اید، از چه ویژگیهایی برخوردار است؟

عثمان اف: این متن تصحیح شده «شاهنامه» شامل هفت جلد است که دو جلد آن در تهران چاپ شده و در آنها بر اساس اصول علمی عمل شده است، از جمله: توصیف مشخصات نسخه ها، تاریخ استنساخ آنها، خصوصیت های صرفی و نحوی و املاهای نسخه ها و ...

در تصحیح متن سوم شاهنامه یک نوآوری اعمال شده که آن را آکادمیسین **لیخاچوف** در آثار خود در باره زمین شناسی پیشنهاد کرده، و این گونه است که در جریان تصحیح متن هر اثر باید یک تحریر باشد تا متن تصحیح شده ائتلافی نباشد. این جانب طی سی سال کار روی متن شاهنامه به این نتیجه رسیدم که بجز نسخی که پیش از نسخه بایسنقر رونویسی شده، نسخه های دیگر مخلوطی از دو تحریر است.

کشیان
در پایان اگر صحبتی برای خوانندگان ما دارید، بفرمایید؟

عثمان اف: من ملت ایران و مردم تاجیکستان را بسیار دوست دارم و مدیونشان هستم. اینها دارای یک فرهنگ و تمدن بزرگند. من خود از یک ملت کوچک هستم که دارای فرهنگ و تمدن بزرگ نبوده اند. تا زمانی که به ایران نیامده بودم (نزدیک به سی سال پیش) بعضی فرائض را انجام نمی دادم، از برکت ورود به کشورهای اسلامی چون ایران فرائض را همه وقت به جا آورده ام. امروز خوشبختانه در داغستان مساجد بسیار و مدارس علمی زیادی ساخته و گشایش می یابد و توجه به دین اسلام افزونی یافته. امروز مسلمانان بسیاری در کشورهای استقلال یافته وجود دارند که باید برای آنها تبلیغ شود، خیلی از قرقیزها به مسیحیت گرویده اند. در این سالها تبلیغ و توجه به فرهنگ اسلامی به عهده مسؤولین و دولتمردان کشورهای اسلامی است؛ خوشبختانه آقای **لاریجانی** وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مورد علاقه مند بوده اند و من از همه مسؤولین ایرانی سپاسگزارم.

کشیان : ما نیز از شما سپاسگزاریم.